

نگارمن کہ بکتابت زلفت و نظارت نوشت
بہ غزہ مسئلہ آموز صد مدرس شد

فرہنگ کردی

تتبع در باب وجوہ مشترک
حماضہ عامیانہ لاس و کراچال کردی بائمی از حکایات مثنوی مولوی

از برای کسانی کہ هنوز با زبان و ادبیات و خط و فرهنگ و تمدن ، یک جامعہ مهم و اصیل آریائی یعنی مردم آزادہ و قہرمان کردستان آشنائی لازم و یا کافی ندارند ، مقدمتاً توضیحات و اطلاعات موجز و مختصری دادہ سپس بہ معرفی ، تحقیق و «تتبع در باب وجوہ مشترک وجہات اختلاف حماضہ عامیانہ لاس و کراچال کردی با یکی از حکایات مثنوی مولوی» میپردازد .

یک بحث تحقیقی و علمی درباره زبان و ادبیات و فرهنگ کردی :

زبان کردی طبق تحقیقات دانشمندان و زبان شناسان یکی از شاخہ های بزرگ و اصیل زبانهای ہند و اروپائی بشمار میرود و در میان زبانهای ہند و ایرانی موقعیت مشخص و ممتازی دارد^۱ .

۱- گاہگاہی اشخاصی در برامون زبان و ادبیات کردی نظرانی ابراز میدارند و مطالبی مینویسند کہ با حقیقت و موازین علمی وفق نمیدہد، بیشتر این اشخاص کسانی هستند کہ نہ زبان کردی میدانند و نہ از ادبیات کردی اطلاعی دارند و نہ بعلم زبان شناسی آشنا هستند ، در میان آنہا چند نفری از دانشمندان و استادان زبان و ادبیات نیز دیدہ میشود کہ با داشتن مقام علمی مسلم، معہذا برای بحث و قضاوت در این مورد دارای این نقیصہ میباشند کہ نہ در زبان و نہ در ادبیات کردی تتبعاتی نکرده اند .
۲- صفت کردن مرد غماز و نمودن صورت کنیزک محصور در کاغذ و عاشق شدن خلیفہ مصر و فرستادن خلیفہ امیری راباسپاہ گران بدر موصل و قتل و ویرانی بسیا رکردن بہر این غرض ؛
نک : دورہ کامل مثنوی معنوی اثر جلال الدین مولوی محمد بن محمد بن الحسین البلخی ثم الرومی
بسی و اہتمام رینولد نیکلسون . طبع لیدن ۱۹۲۵ - ۱۹۳۳ دفتر ۵ ص ۱۰۱۹ .

Lêk olîneweyeki Zanîni le mer Ziman u Wêjey
Kurdî. K. (Gizîng, Kurdistan 2568 (K = M)) Sali 1 j. 2p.7

کردی یکی از زبانهای بسیار جالب توجه ، شیرین ، خوش آهنگ ، متناسب الاجزاء ، غنی ، عمیق و صریح است ، این زبان دارای زیباییهای خاصی میباشد ، زبانی است فلسفی ، علمی ، هنری و فصاحت و وسیع و بلندی دارد^۱. ادبیات کردی بسیار گرانمایه و شاهکارهای ادبی این زبان از نظر علمی و هنری دارای امتیازات و ارزش فراوانی است ؛ زبان و ادبیات کردی مظهر شعر و ترانه و موزیک و آئینه تمام نما و گویای زیباییهای طبیعت است ، چقدر بجاست که پدران پدران ما در این باب گفته اند : « کردی هنراست »^۲. در سرتاسر کردستان ایران ، ترکیه و عراق - سوریه و ارمنستان شوروی و در قسمتهائی از (خراسان ، آذربایجان ، مازندران ، گیلان ، تهران ، قزوین ، بغداد ، حلب ، اسلامبول - بلوچستان ، افغانستان ، هندوستان و مصر و الجزیره) کردان به زبان کردی (لهجه های آن) سخن میگویند ؛ اختلاف لهجه های متنوع کردی بیشتر سطحی و اما اصول کلمات و اصطلاحات و وضع جمله بندی غالباً در تمام لهجه ها بهم نزدیک و در اکثر موارد یکی است .

لهجه های مهم و اصلی کردی که عبارت است از : **کرمانجی ، لری ، گورانی ، زازایی**^۳ شامل چندین لهجه فرعی هستند و بعضی از این لهجه های فرعی نیز به چندین شاخه دیگر منشعب میگردد ؛ از مهمترین لهجه های فرعی میتوان : **مکری ، هکاری ، سورانی ، بختیاری ، بادینانی ، گیلی ، لکی ، اورامانی ، شیروانی ، فیلی ، لولو ، جزیری ، بوتانی ، ژنگاری ، هریری ، جوانرویی ،**

۱ - نك :

Grammaire Kurde paul Ablée Beidar paris 1925 p. 1

۲- نگارنده داستانی تحت همین عنوان « کوردی هونه ره » به زبان کردی پرداخته که بدون تردید خواننده را بیاد « فارسی شکر است » گرامی نویسنده استاد جناب آقای جمالزاده محبوب دیاندازت ع. ۱ .

۳- نك : شرفنامه ، امیر شرف خان بدلیسی که در سال ۱۰۰۵ ه . ق . نگارش یافته چاپ مصر ۱۹۳۶ ص ۲۳ .

۴- نك : کرد و پیوستگی تژادی و تاریخی او رشید یاسمی تهران ۱۳۱۸ ه . خ ص ۱۳۶ .
 ه . نك : سلسله مقالات توفیق وهبی به زبان کردی - مجله گه لایوژ چاپ بغداد دوره اول سال ۱۹۳۹ شماره ۴ و (۵ و ۶) صفحات ۱۱ و ۲۷ .

۴- هکاری بدعقیده مرحوم علامه قزوینی محرف « حق یاری » است .

نك : یادداشت های محمد قزوینی تهران - کلمه حکاری .

۵- بادینانی ، یک رنگ بهدینانی است .

روندی ، سلیمانیه‌ای ، کلهوری ، براخویی ، زنگنه‌یی ، دولمی ، سیورکی ، جافی ، بابائی ، کرماشانی ، گروسی ، ممسنی ، مافی ، منگوری ، موسلانی ، یزیدی ، گلباغی ، رشوندی ، هجیجی ، پاه‌ای ، سگوندی و ... چندین لهجه و شاخه‌های فرعی را نام برد .

دربارهٔ زبان کردی قدیم اطلاعات ما بسیار ناچیز است ، راجع به زبان مادها که نیاکان کردان امروزی هستند ؟ منابع و اسناد کافی در دست نداریم ؛ مورخ یونانی در اوایل قرن اول میلادی اشاره میکند که ماد و پارس زبان همدیگر را می فهمیدند . در حقیقت زبان مادی جدا و نزدیک پاریسی بوده است ، بعضی را عقیده بر این است که آوستا کتاب مقدس زردشت به زبان مادی است و هیچ دلیلی برای تایید این مطلب در دست نیست و همچنین دربارهٔ زبان اقوام : لولو ، گوتی ، کاسای ، سوباری و یا هوری نیز که احتمالاً در منطقهٔ زاگرس زندگی میکرده‌اند ؛ ظاهراً بقرینهٔ بعضی اسماء ، زبان این اقوام نیز بهم نزدیک و آریائی بوده است ؛ ولی آثار مکشوفه تاکنون برای حل این مسأله کافی نیست و این نسبتها هنوز از طرف زبان شناسان بدون تردید تأیید نشده است .

بموجب تحقیقات که از طرف زبان شناسان بعمل آمده ، خویشاوندی زبان کردی با زبانهای - آویستائی و پارسی باستان و پهلوی و فارسی امروز مورد تأیید واقع شده و اما بقول سرسیدنی سمیت : « ... زبان کردی لهجهٔ مشتق و یا مشوش فارسی نیست بلکه زبانی است که دارای تطورات حقیقی و قدیمی میباشد ... » و در تأیید همین نظر **آدموندس** نیز متذکر میگردد : « ... بتمام معنی معلوم شده که زبان کردی یک زبان مشهور و صاف و آریائی است و دارای خصوصیات ممتازی است » .

میچرسون که به اندازهٔ یک کرد زبان کردی میدانست و از یک دانشمند زبانشناس کردی را بهتر میشناخت در یک گزارش رسمی راجع به استان سلیمانیه واقع در **کردستان عراق** در سال ۱۹۱۸ در شهر **کلکته** در صفحات ۸۵: NA چنین اظهار نظر کرده است : « ... زبانی که کردان به آن سخن

میگویند ... يك شكل مختلط و عجایب و بی قاعده و ناشیرین از لهجه ایرانی نیست ... بلکه بعکس يك زبان صاف و ممتاز آریائی است که تا امروز در کوهستانهای سخت کردستان خیلی خوب محافظه شده است ... در میان زبان های خاورمیانه تنها این زبان است که غیر از پذیرفتن بعضی واژه ها و تعبیرات دینی خودش را از اختلاط زبان عربی حفظ کرده است و کلمات کهنه زبانهای آریائی را بمان نشان میدهد...»^۱.

طبقه بندی زبان کردی و لهجه اصلی و فرعی و شاخه های کوچکتر آن هنوز بطور کامل طبق يك اصول علمی دقیق مورد بررسی قرار نگرفته و نقشه حدود و قلمرو لهجه های جدا از هم نیز کاملاً مشخص نگردیده است و اما در قرون اخیر زبان کردی مورد توجه دانشمندان زبان شناس و کردشناسان شرقی و غربی قرار گرفته است، گروهی از علماء متتبع خارجی و دسته ای از محققین و نویسندگان بزرگ کرد اخیراً در توسعه قلمرو فرهنگ کردی و روشن کردن نکات و گوشه های تاریک این زبان و لهجات و قلمرو آنها و ادبیات آن زحمات فراوانی تحمل و آثار گرانبهائی بوجود آورده اند.

ظاهراً از مورس گارزونی باید به عنوان پیشرو محققین و گرامر نویسندگان کردی یاد کرد، او بیست سال از عمر عزیزش را وقف تحقیق و تألیف دستوری برای زبان کردی کرد، گارزونی در طی سالها اقامت در کردستان در منطقه شمال شرقی موصل کتاب دستور زبان کردی را در لهجه اهالی عمادیه که يك شاخه کرمانجی است تألیف کرده، این کتاب در سال ۱۷۷۹ میلادی در ایتالیا در شهر رم بچاپ رسید^۲ و چون زبان مردم منطقه عمادیه جالب و بهتر تشخیص داده شده بود از طرف محققین مانند فردیناندیوستی Justi و لرج Lerch و Rhea نیز کارهای گارزونی تعقیب گردید.

درباره لهجه بهبه ها که شعبه از «سورانی» است بوسیله شودسکو Chodsko در اطراف سلیمانیه تحقیقات قابل توجهی بعمل آمده است.

درباره لهجه ناحیه رواندوز کریپورتر Kerporter به تحقیق و تتبع

۱- نك : خلاصه تاریخ کورد و کوردستان علامه امین زکی بك بغداد ۱۹۳۱ ص ۲۹۱ .

۲- نك : بیبلیوگرافی کوردی اثر نگارنده

پرداخته و حتی معتقد شده است که زبان گروه لهجه های آن ناحیه بهترین و خالصترین لهجه های کردی است .

زبان‌شناس معروف لریچ Lerche که خود را متخصص لهجه کرمانجی میدانند، لهجه کرمانجی را بالهجه‌هاییکه **گارزنی** و پرفسور **برزین** Beresin درباره آن کار کرده‌اند مقایسه کرده و عقیده‌اش بر این است که رابطه خیلی نزدیکی در میان آن لهجه‌ها هست و درباره زبان کردی سلیمانیه هم که توسط ریچ Rich معرفی گردیده آن را نیز جزو کرمانجی می‌شناسد . از بیان لریچ در واقع چنین برمی‌آید که تمام لهجه های مرکز غربی کردستان یعنی از **حکاری** تا سلیمانیه را میتوان بهم مربوط کرد، او کلیه لهجات این نواحی را کرمانجی نامیده است^۱ .

درباره **کردی مگری** که مورد توجه محقق **هورنلی** Hornli قرار گرفت و ایشان این زبان را در مسافرت تحقیقی سال ۱۸۳۵ برای ترجمه انجیل لوقا انتخاب کرده ، شیرین‌ترین و کاملترین شکل زبان کردی است و حسن انتخاب استاد Hornli از این نظر بوده که کتاب را بزبان کردی مگری نوشته که برای همه کردهای متکلم بهر لهجه باشند قابل فهم است^۱ . هورنلی از نتیجه مثبت کار خود بعنوان یک کشف یاد میکند و میگوید : «بی اندازه مایه خوشی و شادی است که دیدم کردهای (نواحی مختلف) زبان یکدیگر را کاملاً می‌فهمند و آنچه را که من به لهجه مگری قرائت می‌کردم بدرستی می‌فهمیدند ...» .

مطالعات هیئت علمی فرانسوی در پارس مخصوصاً در قلمرو کردشناسی اهمیت زیادی دارد ؛ هیئت ژاک دو مرگان در طی گردشهای علمی و تحقیقی در کردستان ۱۸۹۱ - ۱۸۸۹ تقریباً درباره اکثر لهجات کردی به تحقیق و تتبع پرداخت و نتیجه پژوهشهای این هیئت در زمینه تاریخ و جغرافیا و زبان‌شناسی مردم کردستان در سال ۱۸۹۹ در پاریس بطبع رسید این سلسله آثار بسیار نفیس که در چندین جلد چاپ شده دارای عکسها و نقشه های علمی بسیار باارزشی

۱- کوردستان شمال شرقی یعنی نواحی مگری و مناطق کردنشین و مناطق آذربایجان غربی و کلنیهای کردخراسان ، خلخال ، موصلانی‌های منطقه افشار و کردهای گیلان را نیز باید به آنها افزود .

است. هیئت ژاک دومرگان که روی لهجه‌های مگری، کرمانشاهی، سنه‌ای، گروسی، یزیدی (بایزیدی)، اورامانی، جافی، رجبی، سلیمانیه‌ای، لکی، خاجوندی مطالعات زبانشناسی دقیقی بعمل آورده لهجه مگری را بهترین و وسیعترین نمونه زبان کردی می‌شناسد.

دنیاله کار هیئت علمی مورگان را مرحوم پرفسور اسکارمان گرفت، پرفسور اسکارمان بکمک معلم کردی خود مرحوم دکتر جواد قاضی ضمن فراگرفتن این زبان به تحقیق و تتبع پرداخت، اسکارمان اصالت و زیبایی و لطف زبان کردی را در «چریکه» های باستانی و عامیانه کردی یافته بود و جداً خواستار جمع آوری و تدوین آنها شد و بهمت و بازگویی دو «چرگر» ازنده دل و با ذوق و هوشمند بنام رحمن بکر و میرزا اسکندر

هیئت علمی مورگان بیشتر هم خود را صرف تحقیق در لغت و امور زبانشناسی کرد، و مرحوم پرفسور مان بیشتر به ضبط متون حماسه‌ها و منظومه‌های با ارزش کردی پرداخت. محقق آمریکائی مستر فاسوم یک «گرامر عملی زبان کردی» نوشت. کتاب فاسوم یک نوع دستور پراتیکی بزبان انگلیسی است مستر فاسوم نیز با ذکر مقدمه بسیار فاضلانه در بررسی زبانشناسی لهجه‌های مختلفه زبان کردی درباره زبان مردم مگری از قول: ای. ب. سون A.B. Soane مینویسد: «... اهالی این منطقه زبان کردی را با خالصترین لهجه و بهترین شکل گرامری آن بکار می‌برند، لهجه آنها قدیمی ترین لهجه هاست... بقدری عالی مانده که میتوان گفت آن را بمنزله میزانی برای مقایسه سایر لهجه‌ها بکار برد».

مستر فاسوم نیز دستور عملی خود را درباره زبان کردی مگری که مایه ادبی بیشتر دارد برشته تحریر در آورد و در سال ۱۹۱۹ بعد از مرگش در ماساچوست آمریکا بچاپ رسید و نسخ این کتاب نفیس بسیار نایاب است.

۱- چرگر: «چریکه» خوان که در زبان فرانسه Troubadour گفته میشود؛

نک: «چریکه‌ی» هم‌وزین تألیف نگارنده تبریز ۱۳۴۱ ص ۱۳ و ۴؛

۲- پرفسور اسکارمان این متون زبان کردی و ترجمه آلمانی آنها را تدوین و در برلن

بنام «تحفه مظفریه» بطبع رسیده است.

البته دربارهٔ زبان و اکثر لهجه‌های کردی از طرف زبان‌شناسان و دانشمندان و محققین خارجی مطالعات و تحقیقات و تبعات بسیار با ارزشی انجام گرفته، بررسی کار ایشان بسیار ضروری است و نگارنده که علاقه فراوانی باین کار دارد متأسفانه غالب آثار این دانشمندان را نه دیده و نه دسترس به آن دارد و لذا مجبوراً بحث خود را در این زمینه فعلاً خاتمه داده و به تحقیق دربارهٔ طبقه بندی لهجه‌ها می‌پردازد.

طبقه بندی لهجه‌های کردی: تعیین حدود و قلمرو لهجه‌های کردی بهمان اندازه دشوار است که پیدا کردن بهترین (کاملترین) نمونهٔ زبان کردی، میان اینهمه لهجه‌های مختلف^۱، لرج معتقد است: چنانکه از کردها سئوالی مبنی بر این که کدام لهجه در زبان کردی بهتر (کاملتر) است بکنیم؛ بنظر من بیهوده است، زیرا هر یک از آنها جواب خواهند داد که لهجهٔ من و یاما خالصترین و بهترین لهجه هاست. شخص مزبور تأکید میکند که حتی زبان-شناسان هم لهجه‌ای را که درباره‌اش مطالعه کرده‌اند، علاقمند هستند که آن را خالص‌ترین و بهترین لهجه‌ها قلمداد کنند؛ مثلاً با همهٔ توصیفاتی که از زبان کردی مکرری کردیم؛ خواهیم دید که پرفسور برزین Beresin تأکید میکنند که «بهترین و خالصترین زبان کردی در مشرق ناحیهٔ موصل^۲ بکاربرده میشود و کریپورتر Kerporter هم عقیده‌اش خیلی نزدیک به عقیدهٔ بالاست و اما لرج Lerche که لهجهٔ کرمانجی را خوب یاد گرفته بود ادعا میکند این زبان با لهجه‌های که توسط گارزنی و برزین و ریچ Rich مطالعه و تحقیق شده اختلاف زیادی ندارد و عنوان کلی کرمانجی را شامل همهٔ این لهجه‌های فرعی میداند.

هورنلی کلیهٔ لهجه‌های کردی را بدو دستهٔ شمالی و جنوبی تقسیم میکند و اما نامبرده از دو لهجهٔ اورامانی و زازا که اولی در کردستان مرکزی و دومی در منتهای شمال کردستان ترکیه بدان تکلم میشود صرفنظر کرده

۱- موضوع بحث ما در اینجا کردی جدید ادبی نیست پس در این باره بحث خواهیم داشت

قصد ما توضیح در بارهٔ لهجه‌های عامیانهٔ محلی است.

۲- مرکز عراق الکردی واقع در کردستان عراق فعلی.

است ولی لریج بزرگترین محقق لهجه های کردی و زازا Zaza معتقد است که بطور کلی کردهای زازا هم زبان کرمانجی را می فهمند . پس بنابراین مسترفاسوم معتقد است و میگوید : «باید تصدیق کرد که از لحاظ مقاصد زبانشناسی باید لهجه های زبان کردی را به سه دسته بزرگ لهجه های شمالی و جنوبی و مرکزی تقسیم کرد در کردستان شمالی دسته زازا و در کردستان مرکزی دسته کرمانجی و در کردستان جنوبی دسته لور و کلهر دیده میشوند .

پل آبیدار Paul Abbée مؤلف گرامر کردی بزبان فرانسه که در سال ۱۹۲۵ در پاریس منتشر شده است ، کردی را ایه بوتانی ، بادینانی و هکاری تقسیم مینماید در صورتیکه این سه منطقه و زبان ساکنان این سامان بطور کلی جزو کرمانجی است .

اختلاف و برخورد عقاید و آرائی که در میان زبانشناسان خارجی راجع به زبانشناسی و طبقه بندی لهجات کردی وجود دارد در بین دانشمندان کرد خیلی کمتر است و میتوان گفت تقریباً نیست ، متخصصان کرد اتفاق نظرشان بیشتر است .

امیر شرف الدین بدلیسی در شرفنامه که در ۱۰۰۵ هجری نوشته جامعه کرد و زبان کردی را در تحت نام اقوام اصلی : کرمانجی ، لری ، کلهری و گورانی معرفی و مورد بررسی قرار داده است .

مرحوم امین زکی بك علامه مشهور در آثار گرانهای خود در «خلاصه تاریخ کورد و کوردستان» که يك مبحث آن را به تحقیق درباره زبان و ادبیات کردی تخصیص داده ضمن نقل قول امیر شرف الدین بدلیسی یادآوری مینماید که اختلاف بین لهجات کرمانجی و لری و گورانی و کلهری با وجود تنوعی که دارد زیاد نیست و با پیشرفت فرهنگ این اختلافات لهجه ها حل خواهد شد و برای مثال متذکر میگردد که يك کرد اهل سلیمانیه که به لهجه سورانی (جزو کرمانجی است) سخن میگوید : میتواند با يك کرد لرو یا گوران و یا کلهر و بادینانی حرف بزند مخصوصاً بعضی لهجات که بهم خیلی نزدیک هستند.

دکتر آلی کامران بدرخان زبان کردی را شامل سه لهجه اصلی تعریف مینماید :

- ۱- کورمانجی که در شمال و مغرب مورد استعمال دارد .
 - ۲- سورانی یا بابا کردی که در جنوب کردستان بدان تکلم میشود و در ناحیه (سلیمانیه) معمول است .
 - ۳- زازا یا دومی که در مغرب رواج دارد و در منطقه مجاور خربوت و بیرجیک و قسمتی از ساسون است .
- به نظر دکتر کامران اختلاف این سه لهجه در بعض خصائص صرف و نحوی و لغوی است و در این زمان مجلات و روزنامه‌های کردی عامل وحدت کردی هستند .

استاد توفیق وهبی زبان کردی را بچهار لهجه اصلی کرمانجی ، دسته نری ، گورانی و زازایی قسمت نموده و هر کدام را با شاخه‌های متعددش و قلمرو آن معرفی مینماید . بنظر کرمانج که مطالعات زیادی درباره زبان کردی و کلیه لهجات نموده‌اند معتقدند که استاد توفیق وهبی و دانشمندان و زبان‌شناسانی که مشابه او اظهار عقیده کرده‌اند بهتر بدقایق زبان و لهجه های کردی پی برده‌اند .

برای بررسی و راهنمایی قلمرو جغرافیائی لهجه های کردی ، مورگان مکاریوس و مکنزی در آثار با ارزش خود نقشه های جالبی کشیده‌اند ، تکمیل و رفع نواقص این نقشه ها بمثابة کلید و راهنمای خوبی برای تحقیق زبان‌شناسی کردستان خواهد بود .

نقش لهجه های کرمانجی ، کورمانجی ، بوتانی (بایزیدی) ، اورامانی ، سورانی در تاریخ تطورات و سیر و تکامل زبان ادبی کردی جدید خیلی مهم و موضوع يك بحث مفصل تحقیقی است .

اختصاصات زبان کردن: زبان کردی علیرغم پیوند و وجه تشابهی که با زبان فارسی دارد؛^۱ معهذاً به علت دارا بودن يك رشته اختصاصات، خصوصیات صوت، صورت و طبیعت خاص خود با زبان فارسی تفاوت و مغایرت آشکاری هم دارد؛^۲ فرق اساسی کردی با فارسی را مرحوم علامه امین زکی بك در پنج صورت «تلفظی»^۳، اساسی، شکلی، صرفی و نحوی» بیان کرده است.^۴

زبان و ادبیات کردی در قرن اخیر وارد مرحله نوینی شده و در راه ترقی و تکامل آن يك سلسله اقدامات اساسی و مؤثری آغاز گردیده است؛ توسعه روزافزون کتب و مطبوعات و پخش برنامه‌های متعدد و مفصل رادیو و تلویزیون کردی، رسمیت زبان کردی و تدریس آن در دوره ابتدائی در کردستان عراق و ارمنستان، تأسیس کانونهای تحقیقی کردشناسی در مراکز مهم علمی دنیا، بالطبع اهمیت این زبان آریائی و مسأله وحدت و پیشرفت آنرا بمیان آورده است.^۵

ادبیات کردی: با توجه به وسعت مطبوعات و کتب، دواوین و آثار نویسندگان و ادبای کرد، درباره ادبیات کردی هنوز تحقیقات شایان توجهی بعمل نیامده است؛ و از آن چه که چاپ هم شده اکثراً بدست ما نرسیده است که بتوان راجع به آن اظهار نظری نمود، استاد فاضل آقای علاءالدین سجادی به شیوه قدماً تاریخ الشعراي کردستان را برشته نگارش در آورده^۶ و دانشمند محترم آقای رفیق حلمی نیز تحت عنوان «شعر و ادبیات کردی» در دو جلد به

۱- همستگی ریشه‌ای، اصالت، وجوه اشتراك لغت، وحدت و اختلاط فکری و فرهنگی.

۲- نرانی. دکتور سعید کردستانی تهران ص ۱۰۰

۳- نك: خلاصه تاريخ كورد و كوردستان به‌عند ۱۹۳۱ م ص ۲۹۹.

۴- نك: طرح دستور زبان کردی - علامت مذکر و مؤنث در کردی اثر نگارنده تبریز ۱۳۴۲.

۵- نك: يك بحث علمی در اطراف زبان و ادبیات کردی جیمز (درنامه هفتگی کوهستان).

تهران ۱۳۲۵

۶- نك: ده ستوری زمانی کوردی توفیق وهبی بغداد ۱۹۲۹.

Le problème de l'unification de la langue Kurde par Rondot Paris 1936.

۷- نك: رانوبنی ریزمانی کوردی، کرمانج کوردستان ۲۵۷۵ ك م.

۸- میثروی‌ن‌ده‌بی کوردی علاءالدین سجادی به‌عند ۱۹۵۲.

۹- نك: شعر و ادبیات کوردی رفیق حلمی به‌عند ۲ ج ۱۹۴۵.

شرح حال و آثار شعرای معاصر کرد پرداخته‌اند؛ در گوشه و کنار در مجلات و روزنامه‌های کم عمر کردی؟! اشخاص متفرقه نیز دست باین قبیل کارها برده و اثری از خود گذاشته‌اند؛ باکمال تأسف میتوانم بگویم که هیچ کدام کاملاً توفیق نیافته‌اند که ادبیات بسیار گرانبه‌ایه کردی و شاهکارهای زیبای این زبان را بخوبی از نظر علمی و هنری معرفی نمایند؛ نگارش يك تاريخ ادبیات تحقیقی و انتقادی با روش علمی از کارهای بسیار مفید و با ارزش است.

ادبیات کردی از نظر وضع عمومی بدو بخش کاملاً متمایز تقسیم میگردد:

۱- ادبیات عامیانه کردی که شامل «چریکه» (منظومه‌ها)، «چپروکه» (قصه‌ها و حکایات) «گورانی» (آواز، تصنیف و ترانه‌ها) و لغز و اصطلاحات است؛ که اصیلترین گنجینه تاریخی، هنری، علمی و تحقیقی جامعه کرد در طول تاریخ بشمار میرود؛ این بخش از ادبیات فلکلریک کردی زمینه بسیار مهم و وسیعی برای تحقیقات کردشناسی است؛ باکمال تأسف باید اعتراف کرد که در این باره خدمات دانشمندان اروپائی بمراتب بیشتر از هم میهنان کرد و سایر برادران ایرانی و مسلمان است!؟

۲- ادبیات خواص که عبارت از آثار نظم و نثر شعرا، ادبا و نویسندگان کردی است؛ مهمترین نمونه‌های این قسمت از ادبیات کردی که از قرن دهم به بعد رایجتر شده بیشتر منظوم، در گذشته نثر کمتر معمول بوده است از آغاز قرن نوزده با طلوع مجلات و نشریات و روزنامه‌های ملی، داستان نویسی، نکته‌پردازی و نوشتن قطعات ادبی کردی معمول گردیده است؛ بحث و توضیح بیشتر در این باره را بفرصت مناسبتر و قسمت کردی همین مقاله محول مینمائیم.

فرهنگ کردی: با کمال تأسف باید یادآوری نمود که به علت عدم دسترسی و اطلاع کامل و معلومات کافی و سایر اشکالاتی که برای محققین پیش آمده است، تاحال موفق به تدوین يك فرهنگ جامع و کاملی در زبان کردی که حاوی جنبه علمی و زبان شناسی و شامل کلیه لغات لهجات کردی

باشد نشده‌اند؛ برای این کار و همچنین نگارش يك دستور حقیقی و تاریخ ادبیات انتقادی و جمع‌آوری متون ادبی و عامیانه به‌مکاری چندین نفر محقق، متخصص دانشمند احتیاج هست که باراهنمائی وزارت فرهنگ و یایکی از دانشگاه‌های کشور میباید این مهم انجام میگرفت .

زبان و ادبیات و فرهنگ کردی در قرون اخیر مورد توجه دانشمندان، زبان‌شناسان و کردشناسان شرقی و غربی قرار گرفته است؛ علماء منتبع خارجی و دسته‌ای از محققین و نویسندگان بزرگ کرد، در راه تدوین و توسعه فرهنگ کردی و روشن کردن نکات و گوشه‌های تاریک این زبان و ادبیات آن بسیار زحمت کشیده و آثار گرانبهایی به وجود آورده‌اند :

از مهمترین و مشهورترین کردشناسان و دانشمندان خارجی که در زمینه توسعه زبان و ادبیات و فرهنگ کردی گامهای مؤثری برداشته‌اند، محققان زیر را باید نام برد :

موريس گارزنى ، فرديناند يوستى ، لريچ ، آلبرت سوسن ، اوژن پريم ، الكساندر ژابا ، ریا ، شودسكو ، سون ، برزين ، كریپورتر ، ریچ ، هورنلی ، اسكارمان ، ژاك دومورگان ، اوربلی ، گلدنستاد ، كلاپروت ، مولر ، سيدنى سمیت ، پل آبه‌بیدار ، بلوش برنارد ، هارتمان مارتین ، هامر ، ون‌كوك ، هوگوماكاس ، ویلهلم اوژن ، دارمستتر ، چریكو ، رودیژر ، یوت ، یوسف ضیاءالدین پاشاخالدی ، اولیا افندی ، دورن ، هوتم شیندلر ، ایژ بازاروف ، فاریزوف ، ربرت ژاردن ، كارل هادانك ، بازیل نیکیتین ، مینورسکی ، بار ، ماکنزی ، بلچوسکی ، لوسین ، رامبو ، روندو ، ادمونس ، و...

و از فضلا و دانشمندان معروف کرد : استاد داماو (سیدحسین‌حزنی) ، مکریانی ، علامه محمد امین زکی‌بگ ، استاد پیره‌میرد سلیمانی (حاج توفیق) ، صالح زکی بك ، جلادت عالی بدرخان ، دكتر كامران بدرخان ، توفیق وهبی ، آیت‌اله محمد مردوخ کردستانی ، گیومو کریانی ، علاءالدین سجادی ، احمد عزیز آغا ، عزیزان هرکول ، کوردوف ، دكتر سعید کردستانی ، استاد اسماعیل شاپویس ، نوری ، ناصر آزادپور ، قدری جان ، فرج ، کرمانج وغیره ...

الفبای کردی: عده‌ای از مستشرقین و دانشمندان خارجی^۱ و همچنین دسته‌ای از محققین و فضیای بزرگ‌کرد^۲ در زمینه رسم الخط کردی و تکامل آن گامهای مؤثر و با ارزشی برداشته‌اند.

توسعه روز افزون کتب و مطبوعات کردی با خطوط متنوع و شیوه‌های متفاوت بالطبع مسأله وحدت خط و زبان کردی را طرح و بمیان آورده است.

مبدعین داخلی و خارجی خط کردی، هر یک به تناسب ذوق و فکر و قلم و تتبع خویش یک نوع الفباء لاتین و یا شیوه‌ای از عربی^۳ را پذیرفته و یا پیشنهاد کرده‌اند؛ و اما در دوره معاصر با ابتکار دانشمندان کرد رسم الخط کردی در هر دو شیوه عربی و لاتین یک رنگ کاملاً ملی و کردی بخود گرفته است؛ و این ابتکار که بمثابة نخستین گام در راه ایجاد یک الفباء کامل کردی است به وسیله مرحوم استاد داما و (سید حسین مکریانی)^۴ و مرحوم جلادت و دکتر کامران بدرخان شروع شده و با انتشار الفبای ۴۲ حرفی کرمانجی در سال ۲۵۵۷ کردی اساسی‌ترین شالوده استوار وحدت خط جدید کردی فروریخته شده است.^۵

در خط جدید کردی با ابتکار خاصی در شیوه عربی، با تبدیل اعراب بحروف و دور انداختن حروف خاصه عربی و ابداع حروف جدید با علامات مخصوص برای نمایاندن صوتهای خاص کردی و همچنین در شیوه لاتینی با گذاشتن آکسانهای روی حروف این کار با دقت کامل و ذوق سلیم کردی انجام گرفته است.

در الفبای جدید کردی بخلاف خط فارسی، انگلیسی و خطوط بعضی ملل دیگر، کلمات را همان‌طور که می‌نویسند تلفظ مینمایند، هر حرف الفبا

- ۱- گارزنی، پوستی، ژابا، اوژن پریم، آلبرت سوسن، مورگان، اسکارمان، سون، پل بیدار، ماکس، فاسوم، کریستن و مکارپوس.
- ۲- افسر، نویسندگان «روزگرد» دکتر سعید کردستانی، داما و سمایل شاپیس، توفیق وهبی، قدری جان، جلادت بدرخان پاشا، دکتر کامران بدرخان، ملا سعید صدقی، فرج، کوردو، مردوخ، گیو، ناصر آزادپور نوری، عزیزان هرکول، کرمانجی (ع. ۱).
- ۳- اعراب نیز این خط را از ملل دیگر اخذ کرده‌اند.
- ۴- «خط کردی لاتین» و «خط کردی معمولی»؛
- ۵- نک: راهنمای الفبای آسان کردی اثر نگارنده.

نماینده يك صوت خاص است و در همه جا بیک شکل نوشته میشود، آزمایشهایی که از طرف محققین و نگارندهٔ این سطور در امور تعلیماتی و نگارش این خط انجام گرفته نتایج مثبتی بدست داده است.

این ابتکار یعنی تحول در خط معمولی کردی (عربی - فارسی) مورد استقبال محافل علمی و ترقی خواه ایران نیز قرار گرفته ؛ علاوه از طرفداران تغییر خط فارسی به لاتن، نویسندگان مجلات وزین : سرو ، اندیشه و هنر ، آرش و ... قرار گرفته و مقالاتی هم به شیوهٔ خط کردی در فارسی برشتهٔ تحریر درآمده است .

دوشیوهٔ خط مستعمل کردی چنانکه در جدول زیر ملاحظه میشود در نوع خود بسیار کامل و نمونهٔ آخرین حد تکامل و ترقی خط بشمار میروند .

دهلی باغی گولانه ، به ردوداری^۱

وه کو بوکی زه وینه ، کورده واری^۲

چ ته رزه^۳ ، کیوی به رزی ، دهشتی سهوزی

چ دلکیشه ، زه وندی ، لیره واری

خورسکاوی جوانه ، گول گولینه^۴

سهر و خوار^۵ ، داوه نی ، شیوی ، ره واری

به راستی شادی هیینه ، غم ره وینه

که لی ، کانیوی ، کوستانی ، هه واری

ده لی بیم : کاکلی « کرمانج » چه نده خوشه

ژیانی کوردی ، داوی هوزه واری

۱ - بهردودار : سنگ و درخت ، کنایه از سرتاپا ، همه .

۲ - کورده واری : منطقهٔ کردنشین ، کردستان .

۳ - تهرز : نوع ولی مجازاً یعنی خوش ریخت .

۴ - گول گولینه : گل ، گلین است ؛ منظور همه جا گل است و گل است .

۵ - سهر و خوار : بالا و پائین ، غالباً کنایه از شمال و جنوب است .

هه لف و بی هاسانی کوردی

ELF U BÊY HASANÎ KURDÎ

کوردی		فارسی		کوردی	فارسی
A	a	آ-ا	آ-ا	Azadi	آزادی
Â	â	ع	ع	Âerabe	ارابه
B	b	ب	ب	Bab	باب
C	c	ج	ج	Cuwan	جوان
Ç	ç	چ	چ	Çirîke	چریکه
D	d	د	د	Dayik	دایک
Ê	ê	ه	ه	Êend	هه‌ند
E	e	ه	آ	Berd	به‌رد
Ê	ê	ی	ی	iêware	ایواره
F	f	ف	ف	Tifeng	تفنگ
G	g	گ	ک	Gul	گون
G	g	هه‌ی	ک	Gîyan	گیان
H	h	ه	ه	Mîhr	میهر
Ê	ê	ح	ح	Êeyran	هه‌یران
I	i	ا-د	ا	Ii-Min	ای-مین
Î	î	ی	ی	Bîr	بیر
J	j	ژ	ژ	Jîr	ژیر
K	k	ک	ک	Kurdistan	کوردستان
K	k	هه‌ی	ک	Kêl	کیل
L	l	ل	ل	Law	لاو
Ê	ê	ن	ن	Helo	هه‌لو



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

هه لف و بئى هاسانى كوردى

ELF U BÊY HASANÎ KURDÎ

كوردى		فارسى	كوردى	فارسى
M	m	م	Mam	مام
N	n	ن	Nan	نان
O	o	و	Šor	شور
Ô	ô	و	Šôn	شون
P	p	پ	Pak	پاک
Q	q	ق	Qam	قام
R	r	ر	Dar	دار
Ř	ř	ر	Kur	کور
S	s	س	Ser	سدر
Š	š	ش	Šêr	شیر
S	s	س	Se	سپه
T	t	ت	Tiruske	تروسکه
U	u	و	Kurd	کورد
Û	û	و	Sûr	سور
U	u	و	Hengun	ههنگون
V	v	و	Ĥevde	ههده
W	w	و	Wîlat	ولات
X	x	خ	Xencer	خهنجهر
Ĥ	ĥ	خ	Ĥem	خهه
Y	y	ی	Yar	یار
Z	z	ز	Zawa	زاول



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ترجمه قطعه بالا بفارسی :

تو گوئی باغ گلهاست ، (از سر تا پا) چوب و سنگش
مانند عروس زمین است ، کردستان
چه اندازه خوش ریخت است ، کوه بلندش ، دشت سبزش
چه اندازه دلکش است ، مرغزارش جنگش
طبیعتش قشنگ است ، گل گلی است
شمال و جنوب ، دامنش ، شیبش ، رودخانه اش
به راستی شادی آور (است) ، غم پران است
گردنه اش ، چشمه سارش ، کوهسارش ، بیلاش

برادر «کرمانج» بمن میگوید : تاچه اندازه خوش است
زندگانی کردی ، (با) سنن ایلاتی^۱

BO MEY NERJE

Zulfit be qedit da ke perêsan u bilawe
Ewro le minî Sifte haloz u bedawe
Boci negirîm set keretîm dil desikênî
Bo mey nerijê suse le set lavve sikavve
Her coge u cobar ke wa sûr u siôr bê
Cêy cosisî giryanî mine xône rijawe
Her eqnd ke rûtîm be xuda aasiqî rûtîm
Bê bergî âillet ke hetîw meyli be tawe.
Bê fayideye menâî min estake le giryan.
Bo asiqî bê-çare zu ew awe rijawe
Sozî dilime baâîsi taw u kulî giryan.
Meâlum ke awir sebebî kulkulî awe.
Aumrêkê direje be xeyali seri zulfit
Sewda u perêsanîm u sewdayekî xawe
MANI niyetî quwetî tesuîrî biroy to
Evv qevvse be destî mutenefis nekisawe
"NALI" vveku zulfit ke mutiâî berî pête
Têkî meskêne be cefa, meyxere lawe.

۱ - قطعه بالا از روزنامه کوردستان بزبان کردی چاپ تهران نقل گردیده است .
- باکمال تأسف حروف مخصوص کردی در این چاپخانه موجود نبود ، که متون کاملا دقیق ضبط گردد .

ترجمه قطعه کردی «چرا می نریزد» اثر نالی

زلف [ها]یت که برقدو بالایت، پریشان و پراکنده است
 امروز از من شیفته، بهم خورد و دامی است
 (زلفهای تو آشیانه مرغ دل من است)

برای چه گریه نکنم، صدمبار دل مرا میشکنی
 چرا می فرو نریزد، شیشه از صد طرف شکسته است
 (از شیشه دل شکسته من چطور خون نریزد)

هرجوی و جویباری که شور و سرخ است
 جای جوشش گریه من است و خون فروریخته است
 (خون دل شکسته و اشک چشمان گریان من است)

هرچند که بی لباس؟ (وبی چیزم)، بخدا عاشق روی تو هستم
 بی لباسی یتیم یکی از علل میل کردنش به آفتاب است
 (من عریان عاشق جمال آفتاب گونه تو هستم)

منع کردن من از گریستن دیگر بیفایده است
 دیرگاهی است که برای عاشق بیچاره این رسم معمول گردیده است
 (عاشق باید خون دل از راه دیدگان فروریزد)

سوز دل باعث تب و حالت گریستن است
 معلوم است که آتش سبب جوشش آب است
 (سوز دل شکسته سبب جوشش خون و فروریختن اشکهاست)

يك عمر طولانی بخيال سر زلف تو
 سودا سر و پریشان مانده‌ام و این يك معامله (خیال) خام است
 (دست کوتاه این ضعیف آیا برسر زلف بلند تو خواهد رسید؟)

مانی قدرت تصویر ابروان ترا ندارد
 این قوس (ابروان) تو بدست متنفسی کشیده نشده است
 (این اثر بدیع شایسته شأن الهی و نقاش دست طبیعت است)

«نالی» که مانند زلف‌هایت ، بپاهایت افتاده ، مطیع است
 خردش مکن و بجفا به کنارش مینداز
 (اوهم مانند زلفانت میخواهد بر تو بیچد)

دنباله این مقاله که موضوع اصلی ماست «تتبع درباب وجوه مشترك
 حماسه عامیانه لاس و کژال کردی با یکی از حکایات مثنوی مولوی» در شماره
 آینده ملاحظه خواهید فرمود .

ع ۱۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی